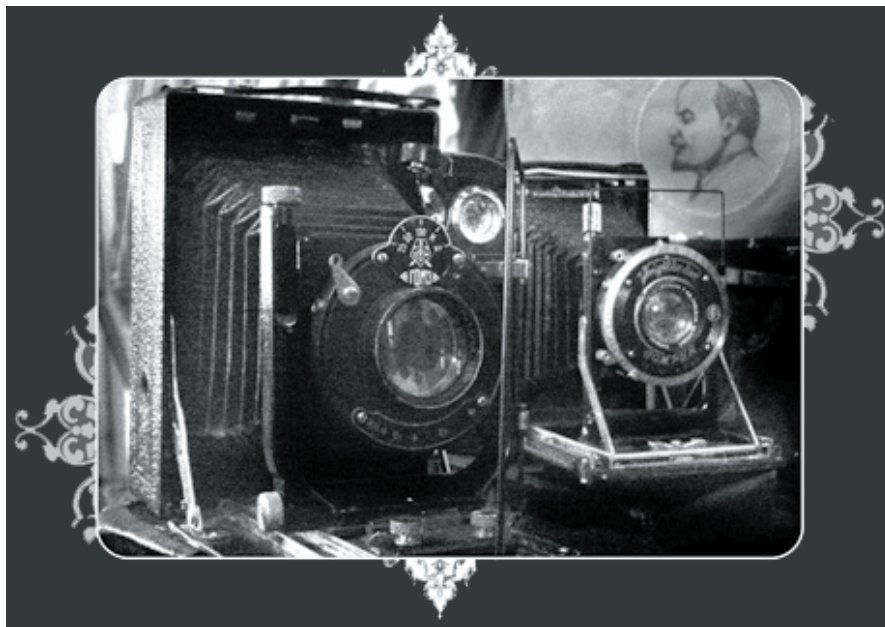




خاصی نمی بیند. برای این هنرمندان مهم نیست که مواد و مصالح چه باشد بلکه مهم آن است که توانسته باشند مفهوم مورد نظر را به مخاطب انتقال دهند. لذا با برداشته شدن چارچوبهای قوانین مورد توجه در هنر کلاسیک آزادی عمل زیادی وارد عرصه هنر می شود که بالطبع قابلیت‌های جدیدی را به هنرمند می دهد. یکی از محدودیت‌های عمده‌ای که هنری مفهومی باعث کم رنگ شدن آن گردیده مرزبندی‌های موجود میان هنرهای مختلف می باشد که خود تحت تأثیر تعاریف موجود و ارائه شده برای هنرهاست. در این تعاریف مشخصات و ویژگی‌های یاد شده در جداسازی این هنرها و هنرمندان نقش مهمی را ایفا می نمایند اما همانگونه که در بالا بدان اشاره رفت پیشرفت‌های تکنولوژیک سریع و بسیار زیاد در این تعاریف اثر گذار می شوند و مثلاً نقاشانی به این فکر می کنند که می توانند به جای ابزارهای سنتی نقاشی از کاغذهای حساس عکاسی و مواد شیمیایی جهت نقاشی بهره ببرند و یا بالعکس عکاسانی که عکسهایی همانند بوم نقاشی شده تحویل مخاطبین خویش دهند. در هنر عکاسی سالهای بسیار زیادی است که فراتر رفتن از حیطه وحد و مرز عکاسی وجود دارد و تقریباً از همان سالهای آغازین پیدایش این هنر و با دستکاری در عکسها و یا ترکیب چندین عکس با هم و یا ایجاد فتوگرافها و ... خودنمایی کرد و به ظاهر عکاسان کشف گرافیک‌ها و نقاشان را به پا کردند. لیکن این شکستن یا گسترش حد و مرز هنر عکاسی در سالهای اخیر و با پیدایش دوربینهای دیجیتال و قابلیت‌هایی که این دوربین‌ها و این نوع عکاسان ایجاد نموده است به میزان حداکثر خود (تاکنون) رسیده است. چنانچه به تعاریف کلاسیک هنرها رجوع نموده و آثار عکاسی امروز را با همان دریچه و دیدگاه بسنجیم بسیاری از این آثار در زمره ی آثار هنری دیگری نظیر گرافیک قرار می گیرند اما چنانچه تعریف عکاسی را به روز نموده و تغییرات یاد شده و نیز تغییرات فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و ... را مد نظر قرار دهیم و در نتیجه حیطه فعالیت عکاسی گسترش یافته و آثار جدید مذکور در داخل این مرز قرار گرفته و آثار عکاسی محسوب می گردند.

عکاسان امروزی با قابلیت‌هایی که کامپیوتر برای رسیدن به مفهوم مورد نظر در اختیارشان قرار می دهد با جرأت و جسارت و به سهولت و سرعت در جریان عکسبرداری و ارائه عکسها دخالت می کنند و حتی از این که دخالتشان (دستکاری) در آثار ارائه شده، توسط مخاطب تشخیص داده شود ابایی ندارند و به این امر معتقدند که در راستای فلسفه ی وجودی هنر (برقراری ارتباط)، این امر نه تنها مذموم نیست بلکه لازم است و هر هنرمندی موظف است برای انتقال مفاهیم به مخاطبش از بهترین راه ممکن استفاده نماید و در بسیاری مواقع احتمال دارد بهره گیری از هنرهای دیگر و تلفیق آن با عکاسی راه بهتری باشد (نسبت به بکارگیری صرف قابلیت‌های عکاسی) در تعاریف کلاسیک ارائه شده. کار نقاشان ساختن تصویر است *make a picture* و کار عکاسان انتخاب تصویر *photo. take a picture* توجه به مطالب گفته شده دیگر اعتقاد بر این نیست که عکاسان صرفاً تصاویر را انتخاب می کنند بلکه آنها نیز همانند نقاشان می توانند با دخل و تصرفهای بیشتری که وجود دارد تصویر بسازند. اما این که این دخل و تصرفها خوب هستند یا خیر؟ و آیا باید وجود داشته باشند یا خیر؟ و آیا به عکس بودن اثر (تعریف عکاسی) لطمه وارد می کنند یا خیر؟ بحث مفصل دیگری است که این مطلب قصد پاسخگویی به آن را ندارد ولی در خاتمه ذکر این نکته بس که هر هنرمندی (فرستنده ی پیام) به جهت انتقال بهتر مفاهیم مورد نظر خود، از این که قابلیت‌های جدیدی را به قابلیت‌های قبلی خود بیفزاید، حتماً خرسند خواهد بود.



عکس، مرز میان هنرها

میرصافی اندیکلائی*

برای هنر تعاریف گوناگونی (که در طول تاریخ، با توجه به شرایط زمانی و مکان بوده است) وجود دارد. ولی به طور کلی در همه ی آنها فلسفه ی وجودی هنر، برقراری ارتباط میان اینای بشر با همدیگر است. از طرفی دیگر می دانیم که هنر در گذشته و تا قبل از قرن بیستم از دو جنبه کاربردی و تزئینی مورد توجه بوده است. اما در اواخر قرن نوزدهم میلادی و با ورود به عصر ارتباطات و جه دیگری نیز به دو کارکرد قبلی هنر اضافه گردید. پیشرفتهای تکنولوژیکی و سرعت و سهولت ارتباطات و نیازهای جدید بشری باعث گردید که انسان به مفاهیم قابل انتقال توسط هنرهای مختلف توجه و رغبت بیشتری نشان دهد که پیامد این توجه، اهمیت یافتن بخش وسیعی از آثار هنری امروزه که از آنها به عنوان هنر مفهومی یاد می کنیم بوده است. آنچه که در هنر مفهومی از الویت بالاتری برخوردار است هیچ کدام از جنبه های وجودی کلاسیک هنر نیست، یعنی این نوع آثار نه برای کاربرد خاصی خلق می گردند (همانند اشیای هنری هزاران سال قبل) و نه جنبه ی تزئینی در آنها اولویت دارد (مانند نقاشی های قرون ۱۸ و ۱۹)، بلکه مهم آن است که هنرمند (خالق اثر) بتواند آنچه را در ذهن دارد (مفهوم) به بیننده (مخاطب) انتقال دهد. هنرمند در این مسیر و برای به مقصود رسیدن از راهها و ابزارهای مختلفی استفاده می نماید و خود را محدود به رعایت چارچوب و قوانین

